

رویدادهای سیاسی هفته

□ شمارش معکوس آغاز شده است!

□ دوزاری شان دیر افتاده است!

فواد عبداللهی

شمارش معکوس آغاز شده است!

حباب تبلیغاتی که با جنگ اوکراین در طی این مدت از طرف مفسرین «باشرف» میدیای دست راستی در غرب شکل گرفته بود، و ایالات متحده‌ای که آمده بود از این جنگ استفاده کند تا غربی را که تَرَک برداشته بود مجدداً حول ناتو متحد کند، عجالتاً آغاز به ترکیبیدن کرده است. از همان اول معلوم بود که روکش این‌گونه تاریخ‌تراشی‌های ساختگی و تبلیغات جنگ‌سردی، نازک‌تر از آن است که افکار شهروندان در جوامع غربی را به سادگی تسخیر کند و تسلیم عربده‌کشی‌های ناتو و دولت زلنسکی کند. این نوع تبلیغات قلابی و «پلتسین»‌سازی از زلنسکی حتی در راضی‌کردن دل شیوخ عربستان و امارات در پیروی تام و تمام از آمریکا و ناتو ناکام ماند؛ دو دولتی که همیشه مطیع زور عموسام بوده‌اند و در مقابل عظمت وزن ژئوپلتیکی ایالات متحده پَرَکاهی به حساب نمی‌آیند. می‌گویند که موش‌ها قبل از همه، کشتی در حال غرق‌شدن را تَرَک می‌کنند. با شروع جنگ اوکراین، زیر پرچم «مبارزه با پوتین» و «دفاع از دموکراسی»، موجی از راست‌گرایی و تعدی نه‌تنها به ارزش‌ها و دستاوردهای سیاسی بلکه به عرصه معیشت و رفاه مردم در قلب «جهان متمدن» به‌راه افتاد. مردم در غرب شاهد ناامن‌شدن شهرها، محلات و میدان‌های کار توسط جریان‌ات ناسیونالیست و راست‌افراطی شدند.

جدال بر سر معیشت و بلوف «جراحی اقتصادی»

سپند حسینی



تجربه زندگی اقشار مختلف جامعه در ایران داستان فلاکت و فقر و اوضاع اسف‌بار زندگی اقتصادی و اجتماعی آنان است. خروج از بحران اقتصادی، «رشد اقتصادی» و «شکوفایی اقتصادی» به قیمت تحمیل فقر و حمله به معیشت مردم در ایران مانند هر دولت بورژوازی دیگری در صدر سیاست‌های اقتصادی جمهوری اسلامی است. در این راستا غلیظ و با رقیق شدن قوانین اسلامی، تشدید فضای خفقان و یا آزادهای نیم بند فرهنگی نه فقط تاثیر جزئی در بهبود شرایط زندگی و معیشتی نداشته،

بلکه تابعی از جدال دائمی در اعماق جامعه بر سر رفاه و آزادی بوده است. تحمیل چنین سطح وسیعی از فلاکت و بردگی تنها با اتکا به یک ماشین سرکوب به شدت خشن و تحمیل یک خفقان سیاسی ممکن می‌شد. همراه این خفقان و سرکوب، مبارزان فکری از طریق افکار پوسیده اسلامی و مذهبی نیازی بود که نظام در این جهت هم سنگ تمام را گذاشت. اما مگر ممکن است که طبقه کارگر چند میلیونی را ۴۰ سال زیر فشار بردگی مزدی و فقر له کرده؛ مگر میتوان این طبقه را تا ابد مرعوب ماشین سرکوب و اختناق و حکومت پلیسی کرد و حتی با امتیازهای کوچک به سکوت کشاند؟ ... صفحه ۳

تجمعات قدرتمند و گسترده

تر تنها جواب

به موج دستگیری‌ها

اطلاعیه دفتر گردستان حزب

فراخوان به شرکت در مارش سراسری اتحادیه‌های کارگری در انگلستان

به فراخوان اتحادیه‌های کارگری در انگلستان، روز شنبه ۱۸ ژوئن ۲۰۲۲ جنبش کارگری بر علیه فلاکت اقتصادی، تورم افسارگسیخته و هزینه‌های کمرشکن زندگی که از جانب بورژوازی انگلستان زندگی میلیون‌ها شهروند را به کام فقر و بیکاری کشانده است، متحدانه به خیابان‌ها خواهد آمد. خانواده‌های کارگری به دولت دست راستی حاکم در انگلستان هشدار داده‌اند که بیش از این بار سنگین هزینه‌های زندگی را بر دوش خود تحمل نخواهند کرد. تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) واحد لندن، دوشادوش طبقه کارگر با هزاران نفر در سراسر انگلستان، روز ۱۸ ژوئن به این مارش سراسری می‌پیوندند. ما همه آزادی‌خواهان مقیم لندن را به پیوستن به این مارش سراسری اتحادیه‌های کارگری دعوت می‌کنیم. در لندن به ما بپیوندید!

شنبه ۱۸ ژوئن - لندن ساعت ۱۰:۳۰

مکان تجمع:

1PR Portland place W1B

به همراه اتحادیه‌های کارگری تجمع خواهیم کرد و راس ساعت ۱۲ ظهر به سمت Parliament square مارش آغاز می‌شود.

برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۷۴۸۸۸۶۸۴۶۶ تماس حاصل کنید.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی) - واحد لندن

۱۶ ژوئن ۲۰۲۲

آزادی
برابری
حکومت کارگری

دو زاری شان دیر افتاده است!

سرنوشت امروز جمهوری اسلامی در برابر زنان، بی‌شبهات به فرار این نظام در مسیر سنگلاخ‌ها نیست. از روزنامه اصول‌گرای رسالت بخوانیم که چگونه اذعان به شکست ۴۰ ساله طرح‌های زن‌ستیز حاکمیت، موسوم به «گشت ارشاد» کرده است: «گشت ارشاد نه تنها از حجاب صیانت نکرد، بلکه بذر نفرت و کینه بین قشری از جامعه پراکنده است... روزنامه رسالت در ادامه سعی می‌کند که شکست سیاست‌های زن‌ستیز حاکمیت را این‌گونه رفقوکاری کند: «برخوردهای سخت و خشن گشت ارشاد مخالف رویکرد بزرگان جبهه انقلاب است. حکم حجاب در اسلام برای دفاع از زن است. برخورد با بدحجابی نباید به حیثیت زنان لطمه بزند.»

نویسنده روزنامه رسالت خود به شکست این‌گونه طرح‌ها نیز اشاره کرده است: «تجربه چندین ساله حکایت از عدم توفیق و تالی‌فاسدهای متعدد این طرح گشت ارشاد دارد.»

اینها به زبان بی‌زبانی تازه دارند اعتراف به شکست می‌کنند که مهم‌ترین دشمن زنان در ایران يك مانع سیاسی جدی بنام جمهوری اسلامی، يك نظام مبتنی بر آپارتاید جنسی است که امروز ناتوان از «کنترل» زنان است؛ هیچ احدی در طول این چهل‌سال از عمر منحوس جمهوری اسلامی در این مورد تردیدی نداشته است. واقعیت زمخت بی‌حقوقی زنان در ایران و بانی اصلی آن از منظر جامعه چنان عیان و شفاف است که نیازی به اثبات ندارد. روزنامه رسالت و «بزرگان جبهه انقلاب» اش، چهل‌سال پیش منجاب زن‌ستیزی سیستماتیک در ایران را با به‌خون کشیدن انقلاب ۵۷ پایه‌گذاری کردند و هر روز این قوانین قرون وسطایی را در تمام این سال‌ها به شیوه‌های مختلف، در قوانین و ساختار مدنی، فرهنگی و ایدئولوژیک جامعه گسترش داده‌اند. ما در مورد جامعه‌ای صحبت می‌کنیم که دور آن چهل سال حصار اسلامی کشیدند، کودکان دبستانی را با آیات قرآن، حجاب، توبه و اراجیف اسلامی شستشوی مغزی دادند. به جرات می‌توان گفت که زن‌ستیزی سیستماتیک که از طرف حاکمیت در ایران در هر دم و بازدم جامعه اعمال شده است حتی در لحظات بهره‌کشی از کارگر در پشت خط تولید بطور مداوم توسط هیئت حاکمه ایران در هر لحظه و مستقیماً اعمال نشده است. در طول این چهل‌سال، جمهوری اسلامی در تمام لحظات، ثانیه به ثانیه برای صیانت از آپارتاید جنسی و خاموش نگه‌داشتن زنان، به اهرم پلیس و باتوم و زندان بلاواسطه نیاز داشته است. تاریخ تحریک انواع باندهای اسلامی از گشت‌های «ارشاد»، دادگاه‌های شرع، تذکرات و اخطارها و تحمیل حجاب اجباری و ... گواه درستی این مدعاست. درست همان‌گونه که در رژیم آپارتاید نژادی علیه سیاهان و رنگین‌پوستان در آفریقای جنوبی این ابزار زمخت سرکوب بکار گرفته شد، در ایران بعد از شکست انقلاب ۵۷ و به قدرت رسیدن جریان مرتجع اسلامی نیز آپارتاید جنسی از ملزومات سرپا نگه‌داشتن جمهوری اسلامی و سرکوب جامعه تشنه‌رهایی و برابری تا به امروز بوده است.

نویسنده روزنامه رسالت خنگ نیست؛ اما به قول معروف دو زاری‌شان دیر افتاده است! ما در ایران و در اعماق جامعه، در میان طبقات و اقشار اجتماعی، با یکی از رادیکال‌ترین، پیشروترین، پُر تپش‌ترین، و انقلابی‌ترین جنبش‌های احقاق حقوق زنان مواجه هستیم. جنبشی که خصلت‌های اعتراض کودکی است که نمی‌خواهد حجاب بر سر به مدرسه برود؛ خشم فروخورده زنی است که برای سیر کردن شکم خود و کودک‌اش به تن‌فروشی در پست‌ترین شرایط تن داده است؛ بغض زنی است که از کار و تحصیل به خاطر زن بودن محروم شده است؛ حسرت زنانی است که دروازه‌های ورزشگاه و شادی به خاطر زن بودن‌شان به روی آنها بسته شده است؛ صحنه‌هایی است که «خواهران» و پاسداران مامور رعایت موازین آپارتاید جنسی، در گوشه و کنار این مملکت، زیر مشت و لگد این زنان جسور پا به فرار می‌گذارند.

این نوک کوه آتشفشانی است که در اعماق می‌جوشد، جنبش‌رهایی‌زنانی که قوانین اسلامی در این مملکت را به شکست کشانده‌اند و عمده‌ترین عامل کلیدی در هزیمت ایدئولوژی نظام اسلامی در حوزه شخصی و اجتماعی زندگی مردم است؛ امروز زنان در ایران بدون سر سوزنی توهم به جناح‌بندی‌های جمهوری اسلامی، با عبور از جنبش پوسیده اصلاحات از دی‌ماه ۹۶ و با کوبیدن حجاب اسلامی زیر پاهای خود به جنگ این نظام سرپا زن‌ستیز با قوانین قرون وسطایی آن خیز برداشته‌اند. ترس روزنامه رسالت و همپالگی‌های آن از جنبش زنان به‌جاست؛ خطر بیخ گوش این حاکمیت است. این‌گونه پند و ادرزهای «حکیمانه» در باب شکست ایدئولوژیک نظام به صفوف درهم‌ریخته حاکمیت کاری از پیش نمی‌برد. نه جنبش زنان «سربه‌راه» خواهد شد و نه نظام منحوس اسلامی و قوانین ننگین آن راه‌گریزی دارند.

دول غربی همه از دم عنان گسیخته‌اند و در سایه جنگ، بی‌محابا تعرض بیشتری به قلمرو معیشت و رفاه شهروندان خود آغاز کرده‌اند. اعلام کردند که «خطر جنگ جهانی سوم» در راه است و باید کمربندها را سفت کنند!! «دفاع از دستاوردهای دموکراسی»، اسم رمزی شد برای میلیتاریستی کردن دوباره فضای جهان و به موازات آن، برکتی برای لاپوشانی بحران اقتصادی سرمایه‌داری در غرب شد. همزمان با متمرکز شدن پروپاگاندا میدیای راست در غرب روی گناهان «کبیره» تنها یکی از قطب‌های درگیر در جنگ اوکراین، ناگهان داغ‌ترین بازار فروش اسلحه و ادوات به پا شد و رکورد بودجه‌های نظامی و هزینه‌های دفاعی تمام دولت‌های غربی شکسته شد. تورم ۱۱ درصدی شد؛ حقوق بازنشستگی شهروندان نصف شد؛ بیکاری چند برابر شد؛ بازار قوم‌پرستی، کلیسا و مذهب داغ شد. فحشاء پُر رونق‌ترین «کاسی» شد؛ مردم با «کمبود» آذوقه روبرو شده‌اند و در صف‌های طولانی بانک‌های غذایی در کشورهای اروپایی ردیف شده‌اند؛ سوخت خانگی در حال حذف شدن است؛ در فکر قطع کردن جیره کودکان دبستانی هستند؛ خشونت خانگی و تعدی به حقوق زنان اوج گرفته است؛ لایحه تبعید فراریان از دوزخ خاورمیانه و آفریقا به جهنم رواندا از طرف دولت بریتانیا تصویب شد؛ میلیون‌ها خانوار کارگری که تازه از بختک ویروس کرونا در جوامع غربی کمر راست کرده بودند با حمله گستاخانه دولت‌ها به آخرین چکه‌های حقوق‌شان به ورطه نابودی و بی‌خانمانی افتاده‌اند؛ زیست و گذران سالمندان همه زیر تیغ گیوتین دولت‌های غربی و تبلیغات جنگی رسانه‌های دست‌راستی رفته و طبقه کارگر از آخرین رمق مزایای خود محروم شده است.

افزون بر پیامدهای مخرب اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک این جنگ در جهان غرب، ما شاهد يك بحران عظیم جهانی از آفریقا تا خاورمیانه، آسیا و خاور دور هم هستیم. بحران نان، قحطی و خطر «کمبود» سوخت و مواد غذایی تاکنون پیامدهای آشکار جهانی این جنگ برای شمار بیشتر جمعیت کره زمین است؛ پرچم «جنگ جهانی سوم» که رسانه‌های راست در غرب در مقابل شهروندان خود برافراشته‌اند، شاخ و دم ندارد. مسدودسازی راه‌های امرار معاش شهروندان، پارس کردن سگ‌های طبقه حاکم به ابتدایی‌ترین حقوق انسانی، قطعاً جنگی است به وسعت جهان که زیر سیل اشک تمساح سران و سردمداران دول‌غربی برای «مردم اوکراین»، گلوی بشریت را فشرده است و بیش از این قابل ادامه نیست.

مستقل از اینکه سرانجام کشمکش طرف‌های مرتجع این جنگ به کجا می‌کشد اما نه آمریکا، نه ناتو و نه دول‌غربی در رکاب رسانه‌های رسمی و دولت فاسد زلنسکی، تاریخ را نمی‌سازند. شاید اگر جهان در سی‌سال پیش سیر می‌کرد زلنسکی هم مانند «یلتسین» به «قهرمان دموکراسی» تبدیل می‌شد. اما از يك‌طرف کارنامه قطور جنایات ناتو و قدرت‌های جهانی در سه‌دهه اخیر از حمله به یوگوسلاوی، دریدن جامعه عراق، سوریه و لیبی در جنگ‌های بی‌پایان خود، بازگرداندن دوباره طالبان به قدرت در افغانستان، تسلیح باندهای سپاه قومی- مذهبی و تحمیل نامنی گسترده به کل جهان، و از طرف دیگر سربار کردن فلاکت اقتصادی گذشته به طبقه کارگر و شهروندان در جوامع غرب، مجال چنین نمایش‌های جنگ‌سردی را به «پهلوانان» دموکراسی غربی و طرفداران صدور خونین دموکراسی نمی‌دهد. اعاده دوران خوش و خرم «جنگ سرد» و «قهرمانان» آن با هدف تعرض دوباره به هر جلوه‌ای از برابری‌طلبی و آزادی‌خواهی ممکن نیست! بازگشت به «دوره برزخ» نظم نوین جهانی و هُل دادن بشریت به سمت پرتگاه پوچی و سردرگمی محال است!

ورق برگشته است و شمارش معکوس آغاز شده است. زمزمه‌های تلاش بی‌وقفه جنبش کمونیستی برای متحد کردن رادیکالیسم آرمان سوسیالیسم در جنبش کارگری به گوش می‌رسد؛ هم‌اکنون يك مقاومت توده‌ای در جهان غرب و در صفوف طبقه کارگر آن در حال شکل‌گیری است که خیابان‌های پاریس و برلین و لندن را علیه سیاست فلاکت اقتصادی، جنگ و ناسیونالیسم طبقه حاکم و دولت‌های آن به هم می‌بافد. جنب و جوش دوباره طبقه کارگر بر متن سه‌دهه تحمیل فقر، نالیمنی و بیکاری گسترده توسط نظام «دموکراسی غربی» بعد از جنگ سرد، آن شبی است که کل بورژوازی جهانی را زمین‌گیر می‌کند. اکنون زمان نه‌تنها به دوران «پایان تاریخ» بازمی‌گردد که آستان دوران جدید پایان «پایان تاریخ» است. جنگ اوکراین نشان داد که مسیر عبور از برزخ نظام سرمایه‌داری و مصائب آن تنها از عهده سوسیالیسم طبقه کارگر ساخته است که سودی در ماندگاری مناسبات ضد انسانی این نظام ندارد.

مگر ممکن است یک جامعه انقلاب کرده و انقلابی، یک جامعه مدرن و متمدن را زیر چادر سیاه اسلام به قرون وسطی بازگرداند؟ اوضاع انفجاری و اعتراضی امروز در ایران، حکایت از زمینگیر شدن و شکست کامل نظام در تمام جبهه های سیاسی- اقتصادی- اجتماعی و ایدئولوژیک در مقابل پایین جامعه و طبقه کارگر دارد. حرکت و تعرض از پایین و اعتراضات و اعتصابات سازمان یافته کارگری و توده ایی، شاخص و ویژگی دوره اخیر مبارزات مردم در ایران است. مبارزاتی که با هر درجه از سرکوب، مرعوب نشده است. با هیچ وعده و وعیدی متوهم نشده است و در همانحال در طی مبارزه خود، رهبران و شخصیتهای معتبر و تاثیرگذار به جامعه تحویل داده است. شخصیتهایی که اعتبار و اتوریته شان محصول نقش آنها در پیشبرد اعتراضات، در هدایت این مبارزات و به پیروزی رساندن آنها و مهمتر از همه در رادیکالیسم شان است. همزمان تلاش برای هماهنگ کردن و متصل کردن رهبران عملی و شخصیتهای دخیل در مبارزات توده ایی، تلاشی محسوس و در جریان برای جویبگویی به نیازهای فوری ایندوره از مبارزات برای پیشروی های بیشتر، شاخص دیگری از مبارزات ایندوره طبقه کارگر و بخشهای دیگر جامعه است.

امروز تمام سیاستها، اقدامات، گزینه ها و فاکتورهایی که جمهوری اسلامی می توانست با اتکا به آنها حاکمیت خود و فلاکت و فقر مطلق، نا امنی و سرکوب آزادیها و ... را به مردم تحمیل کند، بر متی این توزان قوا و مبارزه و تعرض از پایین جامعه، بر متی اعتماد به نفس و مرعوب نشدن مردم، بر متی آگاهی و روشن بینی کمونیستها، سوسیالیستها و رهبران عملی عرصه های مختلف و ... عملا بی خاصیت و زمینگیر شده اند. کار رژیم بورژوازی در جواب به حل معضلات موجود و جواب اقتصادی به نیازهای فوری و معیشتی مردم عملا به بن بست و بحران خورده است. «جراحی اقتصادی» و «شوگ درمانی اقتصادی» بر متی یک سرکوب شدید تنها یک بلوف سیاسی است و حتی سران و تحلیلگران خودی حاکمیت نیز آنرا جدی نگرفتند. کار نظام یکسره است تنها باید متحذانه و از پایین با پرچم آزادی و برابری و ایجاد دنیایی بهتر آنرا سرنگون کرد. این کار ممکن و ضروری است.

شاخص دیگر دوره اخیر اعتراضات، اعتراض بازاریان و طبقه متوسط است. به میدان آمدن بازار بعنوان یکی از مهمترین پایه های اجتماعی رژیم اسلامی، در اعتراض به وضعیت اقتصادی خود، در اعتراض به «ناکارآمدی» رژیم، فقط میتواند عمق بحران اقتصادی- سیاسی و اجتماعی حاکمیت را نشان دهد. بحران و بن بست اقتصادی که آینده اقتصادی حتی بخشی از «طبقه متوسط» و بورژوازی، را تاریک کرده است. نارضایتی بخش دیگری از پایه اجتماعی رژیم از آن را باید در بحران حاکمیت نظام کاپیتالیستی- اسلامی ضرب و معنی کرد تا متوجه «وخامت» اوضاع جمهوری اسلامی شد. تحولات آتی در همانحال که باعث عمیقتر شدن بحران و بن بست نظام خواهد بود، همزمان باعث قطب بندی و پولاریزاسیون طبقاتی و جدال پرچمها و جنبشهای سیاسی در ایران خواهد بود.

خیز جامعه برای معیشت، برای آزادی و رفاه، برای امنیت و زندگی در شان انسان امروزی، گسترده و موج است. اعتراضات روزمره طبقه کارگر در محل کار و کارخانه ها، اعتراضات معلمان و بازنشسته ها، تحصن و تظاهرات و مبارزه هر روزه در گوشه و کنار شهرهای مختلف برای رفاه و آزادی و امنیت و ویژگی امروز تحولات اخیر است. خواست و مطالباتی که سنتا کمونیستها و سوسیالیستها در راس آن بوده اند و به این معنی همیشه با چپ تداعی شده و عموما چپی هستند. اما این برای پیروزی در جدال کافی نیست. این اوضاع، مسئولیت و تامین رهبری در به پیروزی رساندن این جدال را برای چپ جامعه برای کمونیستها و در راس آن برای حزب حکمتیست (خط رسمی) سنگین تر کرده است. جدال آتی ما، جدال به پیروزی رساندن کمونیسم و اداره شورایی خواهد بود. جدالی که نیاز به برنامه، نقشه و آلترناتیو طبقه کارگر و کمونیسم جامعه برای تصرف قدرت و ایجاد یک حکومت شورایی است. یک کمونیسم قدرتمند با وجود چنین طبقه کارگر و رهبران خودآگاه آن، با محبوبیت بالای کمونیسم در جامعه، شانس اصلی در تحولات آتی در سیر سرنگونی انقلابی رژیم بورژوازی ایران خواهد بود. این رهبری را و این

تجمعات قدرتمند و گسترده تر تنها جواب به موج دستگیری ها

متعاقب فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی برای تجمعات و آکسیونهای اعتراضی، روز پنجشنبه در شهرهای مختلف کردستان از جمله سنندج، سقز، مریوان، دیواندره و بوکان تجمعات وسیع اعتراضی بر پا شد. جمهوری اسلامی طبق روال همیشگی برای جلوگیری از تجمعات اعتراضی از چند روز قبل اقدام به دستگیریهای گسترده در شهرهای مختلف کرده است. تا این لحظه طبق اخبار منتشره بیشتر از چهل نفر از معلمان در شهرهای سقز، دیواندره، مریوان و سنندج دستگیر و بازداشت شده اند. در همانحال رژیم با گسیل نیروهای سرکوب در میادین اصلی شهر و مقابل آموزش و پرورش این شهرها عملا فضای شهرها رابه شدت میلیتاریزه کرده است. طبق اخبار تک تیراندازها را در بالای بام ساختمان آموزش و پرورش سنندج مستقر کرده اند. قرار بود با ایجاد فضای ارعاب در جامعه، کسی جرأت اعتراض و تجمع را نداشته باشد. تجمعات گسترده امروز در شهرهای سنندج، مریوان، سقز، دیواندره و ... جواب دندان شکنی به تفلای شکست خورده نظام اسلامی برای ایجاد ارعاب و زهر چشم گرفتن از جامعه بود. معلمان و فرهنگیان در سطحی گسترده در این تجمعات شرکت کردند و خواهان آزادی همکارانشان در کنار خواست همسان سازی و رتبه بندی حقوق و ارتقای وضعیت معیشتی شدند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) در کنار معلمان از تمام خواستها و مطالبات آنها دفاع و پشتیبانی می کند. دفتر کردستان معلمان، خانواده دانش آموزان و مردم آزادیخواه را به تجمعات گسترده تر و قدرتمندتر و حضور گسترده تر در میادین و مقابل آموزش و پرورش و ... فرا میخواند. باید این تعرض از سر استیصال را با قدرت تمام عقب زد و رژیم را از کرده خود پشیمان کرد. باید در مقابل دستگیری هر تک فعال و شخصیت دستگیر شده صدها نفر جای آنان را در میادین مبارزه و اعتراض پر کنند. نباید خانواده دستگیر شده ها را تنها گذاشت و باید با حضور قدرتمندتر و تجمعات گسترده تر زمین را زیر پای حاکمیت ناکارآمد و فاسد داغ کرد. باید عزیزانمان را با قدرت و اتحاد و همبستگی از چنگ این جانیان بیرون کشید.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۶ ژوئن ۲۰۲۲

امروز روزیست که هر کارگر و انسان آزاده و معترضی در جامعه ایران برای هر قدم پیشروی خود و خنثی کردن نقشه های شوم حاکمیت دست به ایجاد مجامع عمومی، به شوراهای کارگری و مردمی در محل کار و زیست می زند و به این مکانیسمهای اجتماعی قدرت متکی می شود. آزادی، برابری، رفاه، برخورداری از بهترین و پیشرفته ترین نعمات مادی و در یک کلام تقسیم ثروت تنها با رفتن این نظام و تنها با برقراری حاکمیت شورایی میسر است.

میان حقوق جهاشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراهای است

hekmatist.com

یک دنیای بهتر



برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتک

سر دبیر: فواد عبداللهی

صدای آزادی، صدای برابری



نیانا

پخش برنامه‌های نیانا از کانال یک

برنامه‌های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat W1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

پخش برنامه‌های نیانا از رادیو طول موج کوتاه

برنامه‌های نیانا هر جمعه راس ساعت ۹ شب به وقت تهران از طریق رادیو طول موج کوتاه پخش می‌شود.

مشخصات موج کوتاه رادیو:

SW 5885

نیانا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena